



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران
اداره کل برنامه‌ریزی و تدوین متون تحصیلی

دوره متوسطه زبان قرآن

صرف متوسطه

• حمید محمدی



علوم عربی، علم صرف

۱. قواعد زبان را در عربی چه می‌نامند؟
۲. علوم عربی چه تعداد است و مهمترین آن‌ها کدام است؟
۳. تعریف، فائده و موضوع علم صرف چیست؟
۴. لفظ و کلمه چیست و اقسام آن‌ها کدام است؟
۵. دواصطلاح حروف در عربی چیست و کیفیت نگارش حروف مبانی چگونه است؟

قواعد زبان

۱. برای آموختن هرزبانی، نخست لازم است با قواعد آن زبان آشنا شویم. به این قواعد در زبان فارسی **دستور زبان**، در زبان انگلیسی **گرامر** و در زبان عربی **صرف و نحو** گفته می‌شود.

علوم عربی

۲. علوم عربی که به آن، **علوم ادبی** نیز گفته می‌شود، منحصر در صرف و نحو نیست؛ بلکه **چهارده علم** هستند که عبارت‌اند از:

صرف، نحو، لغت، اشتقاق، کتابت، قرائت، تجوید
معانی، بیان، بدیع، شعر، انشا، امثال و تاریخ ادبیات.



از مهم‌ترین این علوم، **صرف**، **نحو و لغت** است که آشنایی با آن‌ها تا حدودی می‌تواند بر **زبان قرآن** - که زبان عربی است - مسلط شود و توانایی بهره‌برداری از آیات، روایات، زیارات و... را داشته باشد.

در این کتاب، با علم صرف در حد متوسطه آشنا می‌شویم.

علم صرف

تعریف علم صرف

۳. **صرف** در لغت به معنی **تغییر دادن** و **دگرگون کردن** است و در اصطلاح، «علمی است که درباره چگونگی تغییر کلمه به شکل‌های مختلف بحث می‌کند». این تغییرگاهی برای به دست آوردن **معانی مورد نظر** و گاهی فقط مربوط به **لفظ** است؛ مانند: تغییر کلمه **ضَرَبَ** (زدن) به شکل‌های:

ضَرَبَ يَضْرِبُ اِضْرَبُ ضَارِبٌ مَضْرُوبٌ برای به دست آوردن



معانی: زد می‌زند بزن زننده زده شده

و نیز تغییر کلمه **بَاعَ** به صورت **بَاعَ** جهت ایجاد سهولت در تلفظ.

فایده علم صرف

چنان‌که در تعریف علم صرف گفته شد، برخی از کلمه‌ها از کلمات دیگر گرفته می‌شوند. فایده مهم علم صرف این است که به وسیله آن می‌توان کلمات را شناخت و برای **معانی مورد نظر** - مطابق استعمال عرب - کلمات مناسب ساخت؛ بنابراین فایده علم صرف، **کلمه‌شناسی** و آشنایی با چگونگی **کلمه‌سازی** است.



موضوع علم صرف

موضوع علم صرف، **کلمه** از نظر ساختمان و تغییرات مربوط به آن است.

تعریف لفظ و کلمه

۴. **لفظ**: صوتی است که از دهان خارج می‌شود و بر مخارج حروف تکیه دارد.

لفظ بر دو نوع است: **مُسْتَعْمَل**، **مُهْمَل**.

مستعمل: لفظ مفردی است که دارای معنا باشد؛ به این نوع از لفظ کلمه گفته

می‌شود؛ مانند:

قَتَلَ، زید، حَاشَا

مهمل: لفظی است که دارای معنا نباشد؛ مانند:

تَقَلَّ، دیز، شَاخَا مقابل قَتَلَ، زید، حَاشَا

کلمه و اقسام آن

کلمه بر سه قسم است: **اسم**، **فعل** و **حرف**.

اسم: کلمه‌ای است که به تنهایی بر معنای مستقلی دلالت کند و بدون ضمیمه

به کلمه‌ای دیگر، دارای معنا باشد؛ در حالی که آن معنا، با یکی از زمان‌های سه‌گانه

(گذشته، حال و آینده) مقترن و همراه **نباشد**؛ مانند:

ضَرْبُ (زدن)، بَيْتُ (خانه)

فعل: کلمه‌ای است که بر معنای مستقلی دلالت کند؛ در حالی که آن معنا، با

یکی از زمان‌های سه‌گانه (گذشته، حال و آینده) مقترن و همراه **باشد**؛ مانند:

ضَرْبُ (زد)، يَضْرِبُ (می‌زند)، اِضْرِبُ (بزن)

۱. منظور از مفرد، کلمه‌ای است که لفظش بر معنا دلالت نکند.



پرسش میانی ۱

با توجه به تعریف فعل و اسم کلماتی مانند:
صَرَّبَ (زدن) و حُسْن (نیکی بودن) که بر وقوع کاری یا پدید آمدن حالتی دلالت
می‌کنند و کلماتی مانند: عَدَّ (فردا) و اَمْسَی (دیروز) که بر زمان خاصی دلالت می‌کنند
آیا فعل هستند یا اسم؟ چرا؟

حرف: کلمه‌ای است که بر معنای مستقلی دلالت نکند، بلکه به وسیله آن
میان کلمات ارتباط ایجاد می‌گردد و شکل و صورت حرف، همیشه ثابت است
مانند عَلَی در جمله:

جَلَسْتُ عَلَی الْكُرْسِيِّ (روی صندلی نشستم).

پرسش میانی ۲

با توجه به تعریف علم صرف آیا از حرف در صرف بحث می‌شود؟

■ اقسام حرف

۵. حروف در زبان عربی، دارای دو اصطلاح می‌باشد:

حروف معانی و حروف مبانی

حروف معانی: یکی از اقسام سه‌گانه کلمه است که تعریف آن گذشت.

حروف مبانی: حروفی که تشکیل دهنده کلمه هستند و در اصطلاح به آن‌ها
حروف الفبا یا حروف هجا گفته می‌شود.

پس هر کلمه از حرف یا حروفی تشکیل می‌شود و حروف در زبان عربی اسم و
رسم خاصی دارند.



رسم الفبای زبان عربی

الفبای عربی همان الفبای فارسی است، به جز چهار حرف «پ، چ، ژ، گ».

الفبای عربی عبارت‌اند از:

ا، ب، ت، ث، ج، ح، خ، د، ذ، ر، ز، س، ش
ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ک، ل، م، ن، ه، و، ی

اسامی حروف الفبا

الف، همزه، باء، تاء، ثاء، جیم، حاء، خاء، دال، ذال، راء، زاء، سین، شین، صاد، ضاد، طاء، ظاء، عین، غین، فاء، قاف، کاف، لام، میم، نون، هاء، واو، یاء

پرسش و تمرین

۱. معنای لغوی و اصطلاحی صرف را بنویسید.
۲. «انواع تغییرات» کلمه را توضیح دهید.
۳. موضوع و فوائد علم صرف چیست؟
۴. اسم، فعل و حرف را تعریف کرده، فرق آن‌ها را با یکدیگر بنویسید.
۵. کلمات ذیل واژگان قرآنی هستند؛ اسم، فعل و حرف را در آن‌ها مشخص کنید:
حَمْد (ستایش)، رَبِّ (پروردگار)، مَالِك (صاحب)، تَعْبُدُ (می‌پرستیم)، صِرَاطَ (راه) اَنْعَمْتَ (نعمت دادی)، عَلِي (بر)، قُلْ (بگو)، اَحَدٌ (یگانه)، خَلَقَ (آفرید)، فَلَقَ (سپیده‌دم)، مِنْ (از)، يُوَسْوِسُ (وسوسه می‌کند)، نَاسٍ (مردم)، فِي (در)

مطالعه و پژوهش

۱. درباره تاریخچه علم صرف تحقیق نمایید. (حدود دو صفحه)
▪ منبع مطالعه و پژوهش: صرف کاربردی (عبد الرسول کشمیری)، ج ۱، ص ۳۸.





حروف اصلی وزاید

۶. کلمات هم خانواده در عربی به چه کلماتی گفته می‌شود؟
 ۷. حروف اصلی چیست و علائم رمزگونه کدام است؟
 ۸. حروف زائد چیست و چگونه در وزن منعکس می‌شود؟

۶. همان‌طور که گفته شد، موضوع علم صرف **کلمه** است.

به غیر از موارد اندکی، غالب کلمات عربی دارای **خانواده** هستند؛ مانند:

خَلَقَ، يَخْلُقُ، خَالِقٌ، مَخْلُوقٌ و...

وَسْوَسَ، يُوسِسُ، وَسْوَسَ، مَوْسِسٌ و...

با بررسی هریک از این **خانواده‌ها** در می‌یابیم که در هر گروه، تعدادی از حروف،

ثابت‌اند و در همه اعضای خانواده **تکرار** شده‌اند؛ مانند:

حروف «خ ل ق» در گروه اوّل

حروف «و س و س» در گروه دوّم

۷. حروف مشترک در کلمات هم خانواده را، **حروف اصلی** گویند و برای **سهولت**

درفرآیند یاددهی و یادگیری به جای آن‌ها از **علائم رمزگونه** به شرح ذیل استفاده

می‌شود:



به جای اولین حرف اصلی ← **ف** «فاء الفعل»

به جای دومین حرف اصلی ← **ع** «عین الفعل»

به جای سومین حرف اصلی ← **ل** «لام الفعل»

به جای چهارمین حرف اصلی ← **ل** «لام الفعل دوم»

با جانشینی این حروف به جای حروف اصلی و مطابقت در حرکت و سکون با

کلمه مورد نظر، آنچه به دست می‌آید به نام وزن خوانده می‌شود؛ مانند:

خَلَقَ بروزن فَعَلَ

وَسَّوَسَ بروزن فَعَّلَلَ

۸. لازم به ذکر است به غیر از حروف اصلی، اگر حرف یا حروف دیگری در کلمه

باقی مانده باشد، حرف زاید است و باید هنگام مشخص کردن وزن، آن حرف

یا حروف زاید، در وزن منعکس شود؛ مانند:

يَخْلُقُ بروزن يَفْعُلُ

وَسَّوَسَ بروزن فَعَّلَلَ

اگر حرف زاید، تکرار حرف اصلی باشد، هنگام مشخص کردن وزن، حرفی که مقابل

حرف اصلی قرار می‌گیرد تکرار می‌شود؛ مانند:

سَلَّمَ بروزن فَعَّلَلَ

پرسش‌میان

با توجه به هم خانواده‌های دو کلمه «اکتشاف» و «استخراج» حروف زائد در این کلمه چیست و وزن آن‌ها کدام است؟

صرف
متوسطه
باب فعل

* نکته

لفظ بدست آمده را **وزن** و کلمه مورد نظر را **موزون** می‌گویند.

| | |
|------------------------|-----------------|
| وَسْوَأَسْ ← فَعْلَالٌ | ضَرْبٌ ← فَعَلٌ |
| ↓ | ↓ |
| موزون | وزن |

پرسش و تمرین

۱. راه تشخیص حروف اصلی از حروف زاید چیست؟
۲. کاربرد «وزن» چیست؟
۳. حداقل و حداکثر تعداد حروف اصلی کلمات، چه تعداد است؟
۴. در هر یک از خانواده‌های ذیل، حروف اصلی را مشخص کرده، وزن آن‌ها را بنویسید.

رَجِمَ، يَرْجِمُ، رَحِمَةَ، رَاجِمٌ، مَرْجُومٌ
دَحْرَجٌ، يُدَحْرِجُ، دَحْرَجَةٌ، مُدَحْرِجٌ، دَحَارِجٌ
خَدَمَ، يَخْدِمُ، خِدْمَةَ، خُدَّامٌ، اسْتِخْدَامٌ

مطالعه و پژوهش

چرا برای بیان وزن کلمات از سه حرف فاء و عین و لام استفاده شده است؟

■ منبع مطالعه و پژوهش:

شرح نظام (اصول الآئینیة)، ص ۲۲.

صرف کاربردی (عبد الرسول کشوی، ج ۱، ص ۷۱).

درس دوم

حروف اصلی

وزاید

باب فعل



- فعل ماضی معلوم
- فعل مضارع معلوم
- فعل امر معلوم
- لازم و متعدی
- فعل مجهول
- مضارع مجزوم و منصوب
- مضارع حال و استقبال
- مضارع استفهامی و منفی
- مضارع مؤکد



تقسیمات فعل

۹. فعل دارای چند تقسیم است؟
 ۱۰. فعل ثلاثی وریاعی، مجز و مزید چگونه فعلی است؟
 ۱۱. فعل به لحاظ زمان وقوع بر چند قسم است؟
 ۱۲. فعل سالم و ناسالم چیست؟
 ۱۳. فعل به لحاظ نیاز و عدم نیاز به مفعول بر چند قسم است؟
 ۱۴. ملاک تقسیم فعل به معلوم و مجهول چیست؟
۱۵. فعل به لحاظ اثبات و نفی بر چند قسم است؟
 ۱۶. فعل خبری و انشائی چه نوع فعلی است؟
 ۱۷. فعل اصلی و ملحق چه فعلی است؟
 ۱۸. فعل به لحاظ تصرّف و عدم تصرّف بر چند قسم است؟
 ۱۹. ملاک تقسیم فعل به معرب و مبنی چیست؟

مقدمه

مناسب است پیش از آغاز مباحث تفصیلی فعل و اسم، اشاره‌ای کلی و اجمالی به اقسام فعل داشته باشیم تا صرف پژوهان گرامی، دورنمایی کلی از مباحث علم صرف به دست آورند.^۱

۹. در این کتاب به **ده قسم** از تقسیمات فعل اشاره شده است.



۱. هدف از این درس، ارائه تصویری اجمالی از اقسام فعل است که نقش بسزایی در فهم بیشتر مباحث کتاب دارد و می‌تواند دانش‌پژوه را در به دست آوردن نمای کلی علم صرف کمک کند؛ به همین دلیل از تأکید و دقت زیاد روی تعاریف پرهیز شده و بیشتر به بیان اقسام فعل توجه شده است.

اقسام فعل

۱. ثلاثی و رباعی

۱۰. فعل‌ها به لحاظ تعداد حروف اصلی یا ثلاثی هستند یا رباعی که هر یک از آن‌ها یا مجردند یا مزید:

□ فعلی را که دارای سه حرف اصلی باشد، ثلاثی گویند.

* اگر اولین صیغه فعل ماضی هیچ حرف زایدی نداشته باشد، به آن ثلاثی مجرد گویند؛ مانند:

جَلَسَ، كَسَبَ

* اگر اولین صیغه فعل ماضی، حرف یا حروف زاید داشته باشد به آن ثلاثی مزید گویند؛ مانند:

جَالَسَ، اِكْتَسَبَ

□ فعلی را که دارای چهار حرف اصلی باشد، رباعی گویند.

* اگر اولین صیغه فعل ماضی هیچ حرف زایدی نداشته باشد به آن رباعی مجرد گویند؛ مانند:

زَلَزَلَ، حَزَزَجَمَ

* اگر اولین صیغه فعل ماضی دارای حرف یا حروف زاید باشد، به آن رباعی مزید گفته می‌شود؛ مانند:

تَزَلَزَلَ، اِحْرَزَجَمَ



۲. ماضی، مضارع و امر

۱۱. فعل به لحاظِ زمانِ وقوع و تحقّق بر سه قسم است: **ماضی**، **مضارع** و **امر**.
ماضی: فعلی است که برانجام کاریا پدید آمدن حالتی در زمان **گذشته** دلالت می‌کند؛ مانند:

جَلَسَ (نشست)، حَسَنَ (نیکو شد)

مضارع: فعلی است که برانجام کاریا پدید آمدن حالتی در زمان **حال** یا **آینده** دلالت می‌کند؛ مانند:

يَجْلِسُ (می‌نشیند)، يَحْسُنُ (نیکو می‌شود)

امر: فعلی است که بر **طلب** انجام کاریا پدید آمدن حالتی دلالت می‌کند؛ مانند:
اجْلِسْ (بنشین!)، اَحْسُنْ (نیکو شو!)

۳. سالم و ناسالم

۱۲. فعل به لحاظِ وجود و عدم وجود همزه، حرف تکراری و حرف عله در حروف اصلی آن، بر دو قسم است: **سالم** و **ناسالم**.
سالم: کلمه‌ای است که در حروف اصلی آن، همزه، حرف تکراری و حرف عله (و، ی، ا) **نباشد**؛ مانند:

ضَرَبَ، خَرَجَ

ناسالم: کلمه‌ای است که در حروف اصلی آن، همزه، حرف تکراری و حرف عله **باشد**؛ مانند:

أَمَرَ، مَدَّ، وَجَدَ



فعل به لحاظ کمیت و کیفیت حروف اصلی دارای چند تقسیم است؟

۴. لازم و متعدی

۱۳. فعل به لحاظ نیاز و عدم نیاز به **مفعول** بر دو قسم است: **لازم** و **متعدی**.

لازم: فعلی است که فقط به فاعل نیاز دارد؛ مانند:

ذَهَبَ عَلَيَّ (علی رفت.)

متعدی: فعلی است که افزون بر فاعل، مفعول نیز می طلبد؛ مانند:

نَصَرَ سَعِيدٌ زَيْدًا (سعید، زید را یاری کرد.)

۵. معلوم و مجهول

۱۴. فعل به لحاظ نسبت دادن آن به فاعل یا مفعول بر دو قسم است:

معلوم و مجهول.

معلوم: فعلی است که به **فاعل** خودش نسبت داده شده باشد؛ مانند:

نَصَرَ عَلَيَّ سَعِيدًا (علی، سعید را یاری کرد.)

مجهول: فعلی است که فاعل آن در کلام ذکر نشود و به **مفعول** نسبت داده

شود؛ مانند:

نُصِرَ سَعِيدٌ (سعید یاری شد.)

۶. مثبت و منفی

۱۵. فعل به لحاظ اثبات و نفی بر دو قسم است: **مثبت** و **منفی**.

مثبت: فعلی است که بر واقع شدن کاریا پدید آمدن حالتی در یکی از زمان های



سه‌گانه دلالت می‌کند؛ مانند:

ضَرَبَ (زد)، يَضْرِبُ (می‌زند)

منفی: فعلی است که برواقع نشدن کاریا پدید نیامدن حالتی دریکی از

زمان‌های سه‌گانه دلالت می‌کند؛ مانند:

مَا ضَرَبَ (نزد)، لَا يَضْرِبُ (نمی‌زند)

۷. خبری وانشایی

۱۶. فعل به لحاظ خبر از وقوع فعل یا انشای آن بر دو قسم است:

خبری وانشایی.

فعل خبری: فعلی است که از انجام کاریا پدید آمدن حالتی دریکی از زمان‌های

سه‌گانه خبر می‌دهد؛ مانند:

ضَرَبَ (زد)، حَسُنَ (نیکو شد)، يَضْرِبُ (می‌زند)، يَحْسُنُ (نیکو می‌شود)

فعل انشایی: مانند فعل امر، نهی و استفهام است که از کار یا حالتی خبر

نمی‌دهند؛ بلکه معمولاً بر طلب فعل یا طلب ترک یا پرسش دلالت می‌کنند؛ مانند:

اِضْرِبْ (بزن!)، لَا تَضْرِبْ (نزن!)، هَلْ تَضْرِبُ (آیا می‌زنی؟)

۸. اصلی و ملحق

۱۷. فعل به لحاظ اتحاد و عدم اتحاد ماده و وزن آن بر دو قسم است:

اصلی و ملحق.

فعل اصلی: فعلی است که حروف اصلی آن از نظر ماده و وزن در ثلاثی و

رباعی، یکی باشد؛ مانند:

ضَرَبَ، زَلَزَلَ



فعل ملحق: فعلی است که از نظر ماده، ثلاثی و از نظر وزن و صیغه، رباعی است؛ به عبارت دیگر، با افزودن یک یا چند حرف به فعل ثلاثی مجرد، آن را از نظر وزن به رباعی ملحق نموده‌اند؛ مانند فعل **سَطَرَ** که ثلاثی مجرد است و افزودن **یاء** به آن، از جهت وزن و ساختار شبیه رباعی می‌شود: **سَیَطِرُ**.

۹. متصرف و جامد

۱۸. فعل به لحاظِ تصرّف و عدم آن بر دو قسم است: **متصرف** و **جامد**.

فعل متصرف: فعلی است که ماضی، مضارع و امر داشته باشد و به صورت کامل صرف شود؛ مانند:

نَصَرَ (ماضی)، یَنْصُرُ (مضارع)، اَنْصُرُ (امر)

فعل جامد (غیرمتصرف): فعلی است که به صورت کامل صرف نشود؛ مانند:

لَيْسَ (که فقط ماضی دارد).

هَاتِ (که فقط امر دارد).

۱۰. معرب و مبنی

۱۹. فعل به لحاظِ تغییر و عدم تغییر آخر آن بر دو قسم است: **معرب** و **مبنی**.

فعل معرب: فعلی است که آخر آن به حسب تغییر عامل، تغییر می‌کند؛ مانند:

يَضْرِبُ ← أَنْ يَضْرِبَ، لَمْ يَضْرِبْ

فعل مبنی: فعلی است که آخر آن به حسب تغییر عامل، تغییر نمی‌کند؛ مانند:

ضَرَبَ ← إِنْ ضَرَبَ



۱. ملاک و لحاظ تقسیمات ده‌گانه فعل را نام ببرید.

۲. اصطلاحات ذیل را با ذکر مثال تعریف کنید.

ثلاثی، رباعی، مجرد، سالم، متعدی، متصرف، مبنی، معلوم، مجهول

آیا در کتاب‌های صرفی برای فعل تقسیماتی بیش از ده تقسیم و یا کمتر از ده تقسیم ذکر گردیده است؟ با بررسی کتب صرفی پاسخ را دریافته و در هر صورت ملاک تقسیمات را تعیین کنید.

■ منبع مطالعه و پژوهش:

علوم العربیة (سید هاشم حسینی تهرانی)

دانش صرف (سید حمید جزایری)

صرف کاربردی (عبدالرسول کشوی)







فعل ماضی معلوم (۱)

۲۰. فعل به لحاظ زمان وقوع بر چند قسمت و تعریف فعل ماضی چیست؟

۲۱. حالت‌های چهارده‌گانه فاعل در زبان عربی چیست؟

۲۲. فعل در زبان فارسی دارای چند صیغه است؟

۲۳. روش ساختن صیغه اول فعل ماضی معلوم چگونه است؟

۲۴. روش ساختن صیغه دوم تا ششم از صیغه اول چگونه است؟

۲۵. فاعل بر چند قسم است؟

۲۶. ضمیر چیست و در چه صیغه‌هایی ضمیر بارز و یا مستتر (پنهان) است؟

۲۰. فعل به لحاظ زمان وقوع و تحقق، بر سه قسم است: **ماضی، مضارع و امر.**

در این درس و درس آینده، با فعل ماضی آشنا می‌شویم.

تعریف فعل ماضی

فعل ماضی: فعلی است که برانجام کاریا پدید آمدن حالتی در زمان گذشته

دلالت می‌کند؛ مانند:

نَصَرَ (یاری کرد)، حَسَنَ (نیکو شد)

فعل ماضی به اعتبار حالت‌های مختلف فاعل آن، دارای **چهارده صیغه** است.





مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران
اداره کل برنامه‌ریزی و تدوین متون تحصیلی

دوره متوسطه زبان قرآن

صرف متوسطه

• حمید محمدی

* توجه

صیغه: در لغت به معنای **ساخت** است و مراد از آن، بیان سه ویژگی ذیل

است:

۱. مفرد، مثنی و جمع بودن،
۲. مذکر و مؤنث بودن،
۳. غایب، مخاطب و متکلم بودن.

* نکته

۲۲. فعل در زبان فارسی دارای شش صیغه است که از مصدر ساخته می شود.

پس از حذف (ن) از آخر مصدر، ضمائر (م، ی، ے، یم، ید، ند) به آخر آن اضافه می شود.

| | | | | | | |
|--------|-----|----|------|------|------|---------------|
| زد + م | ی | ے | یم | ید | ند | زدن ← حذف نون |
| ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ | ↓ |
| زدم | زدی | زد | زدیم | زدید | زدند | مصدر |

شایان ذکر است که صیغه سوم شخص مفرد، علامت خاصی ندارد.



صیغه‌های چهارده‌گانه فعل

| | | | | | |
|--|------|------|-----|-------|-------|
| <p>۱. مفرد : او (یک مرد)</p> <p>۲. مثنی : آن‌ها (دو مرد)</p> <p>۳. جمع : آن‌ها (مردان)</p> | مذکر | غایب | فعل | | |
| <p>۴. مفرد : او (یک زن)</p> <p>۵. مثنی : آن‌ها (دو زن)</p> <p>۶. جمع : آن‌ها (زنان)</p> | | | | مؤنث | |
| <p>۷. مفرد : تو (یک مرد)</p> <p>۸. مثنی : شما (دو مرد)</p> <p>۹. جمع : شما (مردان)</p> | مذکر | | | مخاطب | |
| <p>۱۰. مفرد : تو (یک زن)</p> <p>۱۱. مثنی : شما (دو زن)</p> <p>۱۲. جمع : شما (زنان)</p> | | | | | مؤنث |
| <p>۱۳. وحده: من</p> <p>۱۴. مع‌الغیر: ما</p> | | | | | متکلم |



چرا فعل‌ها در زبان فارسی تنها ۶ صیغه صرف می‌شوند ولی در زبان عربی به ۱۴ صیغه صرف می‌گردند؟

روش ساختن فعل ماضی معلوم

۲۳. فعل ماضی معلوم ثلاثی مجرد، به ترتیب ذیل از مصدر گرفته می‌شود:

۱. باید حرف زاید مصدر را - اگر دارای حرف زاید باشد - حذف کرد؛

۲. باید حرف اول و سوم اصلی را مفتوح کرد؛

۳. حرکت حرف دوم در ماضی، **سماعی** است و با استفاده از لغت نامه به

دست می‌آید^۱ که **مفتوح**، **مکسور** یا **مضموم** است و براین سه وزن می‌آید:

فَعَلَ فَعِلَ فَعَلَّ

* نکته

مصدر: کلمه‌ای است که بروقوع حالت یا انجام کاری بدون در نظر گرفتن

زمان دلالت می‌کند؛ مانند:

حُسْن (خوب بودن)، ضَرْب (زدن)

مصدر در ثلاثی مجرد، سماعی است و بهترین راه تشخیص آن، مراجعه به

لغت نامه است؛ ولی می‌توان از ترجمه فارسی آن نیز جهت تشخیص مصدر

کمک گرفت.

در آخر ترجمه فارسی مصدر، **دن** یا **تن** وجود دارد، به شرط آنکه **اگر ن** را

برداریم به فعل ماضی تبدیل شود.



۱. ادبیات عرب جزء علوم نقلی است؛ به عبارت دیگر، ما در تمامی قواعد مطرح شده در این علم، تابع استعمالات عرب هستیم. این استعمالات در «لغت نامه‌ها و معاجم لغوی» گردآوری و ضبط شده‌اند.

مانند: **خُرُوج** به معنی **خارج شدن** است که در صورت حذفِ ن، فعل ماضی **خارج شد** از آن به دست می‌آید.

پرسش میانی ۲

با توجه به تعریف مصدر در کتاب آیا کلمه **عُنُق** به معنای **گردن** که آخر آن به **دَن** ختم شده است مصدر است؟

نمونه ساختن ماضی از مصدر:

| | |
|---------------------|-----------------|
| خُرُوج ← خَرَجَ | ضَرَبَ ← ضَرَبَ |
| حِسْبَان ← حَسِبَ | عِلْمَ ← عَلِمَ |
| كِرَامَةَ ← كَرَّمَ | قُرْبَ ← قُرِبَ |

هر یک از وزن‌های سه‌گانه (**فَعَلَ**، **فَعِلَ** و **فَعُلَ**)، صیغه اول فعل ماضی را تشکیل می‌دهند و سیزده صیغه دیگر از صیغه اول ساخته می‌شوند.

کیفیت ساختن صیغه دوم تا ششم:

۲۴. صیغه‌های دوم تا ششم به کیفیت زیر از صیغه اول ساخته می‌شوند:

صیغه دوم : با اضافه کردن **الف** به آخر صیغه اول:

ضَرَبَ ← ضَرَبَا

صیغه سوم : با اضافه کردن واو به آخر صیغه اول و مضموم کردن لام الفعل:

ضَرَبَ ← ضَرَبُوا



صیغه چهارم : با اضافه کردن **تاء ساکن** (تْ) به آخر صیغه اول:

ضَرَبَ ← ضَرَبْتُ

صیغه پنجم : با اضافه کردن تا به آخر صیغه اول:

ضَرَبَ ← ضَرَبْتَا

صیغه ششم : با اضافه کردن **نون مفتوح** (نَ) به آخر صیغه اول و ساکن

کردن لام الفعل:

ضَرَبَ ← ضَرَبْنَا

صرف نشش صیغه غایب فعل ماضی

● شش صیغه غایب فعل ماضی ضَرَبَ:

| | | | | |
|---------|-------------|---------------------|------|--------|
| ۱. مفرد | : ضَرَبَ | : (آن یک مرد) زد. | مذکر | } غایب |
| ۲. مثنی | : ضَرَبَا | : (آن دو مرد) زدند. | | |
| ۳. جمع | : ضَرَبُوا | : (آن مردان) زدند. | | |
| ۴. مفرد | : ضَرَبْتُ | : (آن یک زن) زد. | مؤنث | |
| ۵. مثنی | : ضَرَبْتَا | : (آن دوزن) زدند. | | |
| ۶. جمع | : ضَرَبْنَا | : (آن زنان) زدند. | | |

۲۵. فعل به **فاعل** احتیاج دارد و فاعل به دو قسم است:

- اسم ظاهر، مانند: ضَرَبَ سَعِيدٌ (سعید زد).

- ضمیر، مانند: الف در ضَرَبَا (آن دو مرد زدند).



تعریف ضمیر

۲۶. هنگامی که ما عبارت **سعید آمد و سعید غذا خورد** را با عبارت **سعید آمد و او غذا خورد** مقایسه می‌کنیم، درمی‌یابیم در عبارت دوم، کلمه **او** به جای **سعید** قرار گرفته و از تکرار آن جلوگیری نموده است که به آن ضمیر گفته می‌شود. بنابراین ضمیر، اسمی است که به جهت اختصار به جای اسم ظاهر می‌نشیند؛ یعنی به جای **ذَهَبَ سَعِيدٌ وَوَحِيدٌ** می‌توان گفت: **ذَهَبَا**.

ضمایر شش صیغه غایب فعل ماضی عبارت‌اند از:

○ در مثنی‌ها ← ا ضَرَبَا، ضَرَبْتَا

○ در جمع مذکر ← و ضَرَبُوا

○ در جمع مؤنث ← ن ضَرَبْنَ

در صیغه‌های ۱ و ۴، نشانه فاعل (ضمیر) در فعل، مستتر (پنهان) است.

○ در صیغه ۱ ← هُوَ ضَرَبَ

○ در صیغه ۴ ← هِيَ ضَرَبَتْ

شایان ذکر است که «ت» در صیغه‌های ۴ و ۵، علامت مؤنث بودن فاعل است و ضمیر نیست.

* نکته مهم

استتار ضمیر در صیغه‌های ۱ و ۴ ماضی، **جایزی** است؛ یعنی اگر فاعل، اسم ظاهر باشد، در این صورت ضمیری در این صیغه‌ها مستتر نیست.

ضَرَبَ (هُوَ) مستتر، فاعل است.

ضَرَبَ سَعِيدٌ (سَعِيد) فاعل است و هیچ ضمیری در فعل مستتر نیست.



۱. فعل به لحاظ صیغه بر چند قسم است؟
۲. صیغه اول فعل ماضی چگونه ساخته می‌شود؟ مثال بزنید.
۳. شش صیغه غایب فعل‌های ذیل را با ترجمه صرف نموده، فاء‌الفعل، عین‌الفعل و لام‌الفعل صیغه اول آن‌ها را مشخص کنید.

جَلَسَ، عَلِمَ، بَعُدَ

۴. فعل‌های ذیل را به عربی ترجمه کنید.

آن یک مرد) رفت (آن یک زن) رفت

آن دو مرد) رفتند (آن دوزن) رفتند

آن مردان) رفتند (آن زنان) رفتند

۵. ضمیر یا نشانه فاعل را در فعل‌های ذیل مشخص کنید.

كَتَبَ، كَتَبُوا، كَتَبْنَ، كَتَبْنَا، كَتَبْتَا

۶. صیغه، شماره و ترجمه فعل‌های قرآنی ذیل را بنویسید.

خَرَجَ، خَرَجْنَ، رَكِبُوا، كَسَبَ، كَسَبَتْ

۱. در صیغه سوم ماضی بعد از واو الفی گذاشته شده است، نام‌های این الف چیست و چرا آورده می‌شود؟

درس چهارم

فعل ماضی
معلوم (۱)

■ منبع مطالعه و پژوهش:

علوم العربیة (سید هاشم حسینی

تهرانی) ص ۲۹۷ و ۲۹۸.

و برخی کتب صرفی معتبر



فعل ماضی معلوم (۲)

۲۶. روش ساختن صیغه هفتم تا چهاردهم فعل ماضی از صیغه اول چگونه است؟
 ۲۷. ضمائرش صیغه مخاطب و دو صیغه متکلم ماضی، بارزاست یا مستتر؟
 ۲۸. چگونه فعل ماضی، منفی و یا پرسشی می‌شود؟

۲۶. در درس گذشته، شش صیغه غایب و چگونگی ساختن آن از صیغه اول ماضی بررسی و صرف شد. در این درس، روش ساختن صیغه هفتم تا چهاردهم را می‌آموزیم.

صیغه هفتم : با اضافه کردن **تاء مفتوح** (ت) به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل:

ضَرَبَ ← ضَرَبْتَ

صیغه هشتم : با اضافه کردن **تُما** به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل:

ضَرَبَ ← ضَرَبْتُمَا

صیغه نهم : با اضافه کردن **تُم** به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل:

ضَرَبَ ← ضَرَبْتُم



صیغه دهم : با اضافه کردن **تاء مکسور (ت)** به آخر صیغه اوّل و ساکن کردن لام الفعل:

ضَرَبَ ← ضَرَبْتِ

صیغه یازدهم : با اضافه کردن **تَمّا** به آخر صیغه اوّل و ساکن کردن لام الفعل:

ضَرَبَ ← ضَرَبْتَمَّا

صیغه دوازدهم : با اضافه کردن **تُنّ** به آخر صیغه اوّل و ساکن کردن لام الفعل:

ضَرَبَ ← ضَرَبْتُنَّ

صیغه سیزدهم : با اضافه کردن **تاء مضموم (ت)** به آخر صیغه اوّل و ساکن کردن لام الفعل:

ضَرَبَ ← ضَرَبْتُ

صیغه چهاردهم : با اضافه کردن **نا** به آخر صیغه اوّل و ساکن کردن لام الفعل:

ضَرَبَ ← ضَرَبْنَا



● شش صیغه مخاطب و دو صیغه متکلم «ضَرَبَ»:

| | | |
|--|---------|---------|
| ۷. مفرد : ضَرَبْتُ : (تو یک مرد) زدی. | } مذکر | } مخاطب |
| ۸. مثنی : ضَرَبْتُمَا : (شما دو مرد) زدید. | | |
| ۹. جمع : ضَرَبْتُمْ : (شما مردان) زدید. | | |
| ۱۰. مفرد : ضَرَبْتِ : (تو یک زن) زدی. | } مؤنث | |
| ۱۱. مثنی : ضَرَبْتُمَا : (شما دو زن) زدید. | | |
| ۱۲. جمع : ضَرَبْتُنَّ : (شما زنان) زدید. | | |
| ۱۳. وحده : ضَرَبْتُ : (من) زدم. | } متکلم | |
| ۱۴. مع الغیر: ضَرَبْنَا : (ما) زدیم. | | |

پرسش میانی

کدام یک از صیغه‌های فعل ماضی همیشه به لحاظ ظاهری شبیه به یکدیگر می‌باشند به نظر شما راه تشخیص آن‌ها از یکدیگر چیست؟

۲۷. ضمائرشش صیغه مخاطب و دو صیغه متکلم ماضی، بارز و آشکار

است:

| | | |
|-------|---|--------------------|
| ت | : | ○ مفرد مذکر مخاطب |
| تُمَا | : | ○ مثنای مذکر مخاطب |
| تُمْ | : | ○ جمع مذکر مخاطب |



- مفرد مؤنث مخاطب : تِ
- مثنای مؤنث مخاطب : تُمَا
- جمع مؤنث مخاطب : تُنَّ
- متکلم وحده : ثُ
- متکلم مع الغیر : نَا

* توجه

در صیغه‌های چهارده‌گانه فعل ماضی، هر صیغه‌ای دارای ضمیر اختصاصی است؛ به جز:

- مثنای غایب که دارای ضمیر مشترکِ الف هستند.
- مثنای مخاطب که دارای ضمیر مشترکِ تُمَا هستند.

۲۸. با افزودن حرف **ما** بر سر ماضی، ماضی منفی ساخته می‌شود و با

افزوند **أ** و **هل** بر سر آن، سؤالی می‌شود. مانند:

نَصَرَ ← ما نَصَرَ یاری نکرد

نَصَرَ
 ↙ ↘
 أَنْصَرَ هَلْ نَصَرَ
 آیا یاری کرد؟



جدول ساختن صیغه‌های فعل ماضی

| شماره صیغه | نحوه ساخت | مثال و ترجمه |
|------------|-------------------|-------------------------------|
| ۱ | ضَرَبَ ← ضَرَبَ | ضَرَبَ (آن یک مرد) زد |
| ۲ | ضَرَبَ ← + ا | ضَرَبَا (آن دو مرد) زدند |
| ۳ | ضَرَبَ ← + ء و | ضَرَبُوا (آن مردان) زدند |
| ۴ | ضَرَبَ ← + ث | ضَرَبْتَ (آن یک مرد) زد |
| ۵ | ضَرَبَ ← + تا | ضَرَبْتَا (آن دو زن) زدند |
| ۶ | ضَرَبَ ← + ن | ضَرَبْنَ (آن زنان) زدند |
| ۷ | ضَرَبَ ← + ت | ضَرَبْتِ (تو یک مرد) زدی |
| ۸ | ضَرَبَ ← + تُمَّا | ضَرَبْتُمَا (شما دو مرد) زدید |
| ۹ | ضَرَبَ ← + تُمَّ | ضَرَبْتُمْ (شما مردان) زدید |
| ۱۰ | ضَرَبَ ← + تِ | ضَرَبْتِ (تو یک زن) زدی |
| ۱۱ | ضَرَبَ ← + تُمَّا | ضَرَبْتُمَا (شما دو زن) زدید |
| ۱۲ | ضَرَبَ ← + تُنَّ | ضَرَبْتُنَّ (شما زنان) زدید |
| ۱۳ | ضَرَبَ ← + تُ | ضَرَبْتُ (من) زدم |
| ۱۴ | ضَرَبَ ← + نَا | ضَرَبْنَا (ما) زدیم |



۱. شش صیغه مخاطب و دو صیغه متکلم فعل‌های ذیل را با ترجمه صرف کنید.

جَلَسَ، عَلِمَ، بَعَدَ

۲. چهارده صیغه فعل ماضی ذَهَبَ (رفت) را صرف کنید.

۳. نشانه فاعل در چه صیغه‌هایی از فعل ماضی به صورت بارز و در چه صیغه‌هایی

به صورت مستتر (پنهان) آمده است؟

۴. صیغه، شماره، ضمیر و وزن فعل‌های قرآنی ذیل را بنویسید.

خَلَقْتُ، خَلَقْتُ، كَفَرْتُمْ، كَفَرْنَا، أَخَذْتُ، أَخَذْنَا

۵. شماره صیغه، ترجمه و ضمایر فعل‌های مشخص شده در آیات و روایت ذیل را بنویسید.

الف. القرآن الكريم: وَلَمَنْ صَبَرَ وَعَفْرَانًا ذَلِكَ لِمَنْ عَزِمَ الْأُمُورُ.

ب. القرآن الكريم: وَحَمَلْنَا هُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ۲.

ج. القرآن الكريم: لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ۳.

د. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّكُمْ إِنْ رَغِبْتُمْ إِلَى اللَّهِ غَنِمْتُمْ وَنَجَوْتُمْ وَإِنْ رَغِبْتُمْ إِلَى الدُّنْيَا

خَسِرْتُمْ وَهَلَكْتُمْ ۴.

مطالعه و پژوهش

تحقیق کنید چرا لام الفعل ماضی از صیغه ششم به بعد ساکن می‌باشد؟

■ منبع مطالعه و پژوهش:

شرح امثله جامع المقدمات (۲ جلدی) ج ۱، ص ۲۲.



۱. شوری، ۴۳: و هر کس صبر کند و درگذرد، مسلماً این [خویشتن داری اش] از اراده قوی [در] کارها است.

۲. اسراء، ۷۰: [فرزندان آدم را گرامی داشتیم] و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] نشان‌دیم و از چیزهای پاکیزه روزی‌شان دادیم.

۳. انبیاء، ۲۲: اگر در آن دو [آسمان و زمین] معبودانی جز خدا می‌بود، قطعاً [هر دو] تباه می‌شدند.

۴. غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۹۳. همانا اگر شما به خداوند متعال رغبت پیدا کنید، غنیمت بُرده و نجات یافته‌اید و اگر به سوی دنیا رغبت پیدا کنید، زیان بُرده و هلاک گشته‌اید.



فعل مضارع معلوم (۱)

۲۸. فعل مضارع چیست و صیغه اول آن چگونه ساخته می‌شود؟
 ۲۹. صیغه‌های دوم تا ششم فعل مضارع چگونه از صیغه اول ساخته می‌شود؟
 ۳۰. حرکت عین الفعل مضارع چند حالت دارد و چگونه به دست می‌آید؟
 ۳۱. درشش صیغه غائب مضارع چند ضمیر بارز و چند ضمیر مستتر وجود دارد؟
 ۳۲. علامت‌های رفع فعل مضارع درشش صیغه غائب فعل مضارع چیست؟

۲۸. **فعل مضارع**: فعلی است که برانجام کاری یا پدید آمدن حالتی در زمان حال یا آینده دلالت می‌کند؛ مانند:
 يَنْصُرُ (یاری می‌کند)، يَحْسُنُ (نیکو می‌شود)

صیغه اول فعل مضارع معلوم، از **ماضی** آن به شرح ذیل گرفته می‌شود: **ضَرَبَ**

↓
يَضْرَبُ

↓
يَضْرَبُ

↓
يَضْرَبُ

↓
يَضْرَبُ

↓
يَضْرَبُ

↓
يَضْرَبُ

↓
يَضْرَبُ

↓
يَضْرَبُ

↓
يَضْرَبُ

۱. **یاء مفتوح** (ی) بر سر آن اضافه می‌کنیم:

۲. **فاء الفعل ماضی** را **ساکن** می‌کنیم:

۳. **لام الفعل** را **ضممه** می‌دهیم:

۴. حرکت عین الفعل را با استفاده از **لغت نامه** به دست می‌آوریم؛

مثلاً عین الفعل **ضَرَبَ** در مضارع، **مکسور** است.



کیفیت ساختن صیغه‌های مضارع

فعل مضارع مانند فعل ماضی، دارای چهارده صیغه است.
دانستیم که صیغه اول فعل مضارع از صیغه اول فعل ماضی ساخته می‌شود:

ضَرَبَ ← يَضْرِبُ

سیزده صیغه دیگر را از صیغه اول می‌سازیم.

کیفیت ساختن صیغه‌های دوم تا ششم:

۲۹. صیغه دوم : با اضافه کردن **الف و نون مکسور** (ان) به آخر صیغه اول و مفتوح کردن لام الفعل:

يَضْرِبُ ← يَضْرِبَانِ

صیغه سوم : با اضافه کردن **واو و نون مفتوح** (ون) به آخر صیغه اول و مضموم کردن لام الفعل:

يَضْرِبُ ← يَضْرِبُونَ

صیغه چهارم : با تبدیل کردن حرف مضارع **ياء** به **تاء**:

يَضْرِبُ ← تَضْرِبُ

صیغه پنجم : با تبدیل کردن **ياء** به **تاء** و اضافه کردن **الف و نون مکسور** (ان) به آخر صیغه اول و مفتوح کردن لام الفعل:

يَضْرِبُ ← تَضْرِبَانِ



صیغه ششم : با اضافه کردن **نون مفتوح (نَ)** به آخر صیغه اول و ساکن کردن لام الفعل:

يَضْرِبُ ← يَضْرِبْنَ

● صرف نشش صیغه غایب مضارع ضَرَبَ - :

| | | |
|--|--------|--------|
| ۱. مفرد : يَضْرِبُ : (آن یک مرد) می زند. | } مذکر | } غایب |
| ۲. مثنی : يَضْرِبَانِ : (آن دو مرد) می زنند. | | |
| ۳. جمع : يَضْرِبُونَ : (آن مردان) می زنند. | | |
| ۴. مفرد : تَضْرِبُ : (آن یک زن) می زند. | } مؤنث | |
| ۵. مثنی : تَضْرِبَانِ : (آن دوزن) می زنند. | | |
| ۶. جمع : يَضْرِبْنَ : (آن زنان) می زنند. | | |

۳۰. حرکت عین الفعل مضارع **سماعی** است؛ یعنی ممکن است:

● **مفتوح** باشد بر وزن **يَفْعُلُ** ؛ مانند: يَذْهَبُ، يَعْلَمُ

● **مکسور** باشد بر وزن **يَفْعُلُ** ؛ مانند: يَضْرِبُ، يَحْسِبُ

● **مضموم** باشد بر وزن **يَفْعُلُ** ؛ مانند: يَنْصُرُ، يَخْرُجُ

حرکت عین الفعل را می توان با استفاده از فرهنگ لغت به دست آورد. در فرهنگ لغت غالباً چنین نوشته شده است:

ضَرَبَ - : یعنی عین الفعل مضارع فعلِ ضَرَبَ **مکسور** است : ← يَضْرِبُ

نَصَرَ - : یعنی عین الفعل مضارع فعلِ نَصَرَ **مضموم** است : ← يَنْصُرُ

عَلِمَ - : یعنی عین الفعل مضارع فعلِ عَلِمَ **مفتوح** است : ← يَعْلَمُ



به حرفِ یاء و تاء که در آغاز صیغه‌های مضارع آورده شده، **حروف مضارع**

می‌گویند.

پرسش میانی ۱

حرکت عین الفعل مضارع فعل‌های أَخَذَ، عَلِمَ و شَقَعَ را با توجه به آیه ۲۵۵ سوره بقره (آیه الكرسي) چیست؟ افعال مربوطه را بنویسید.

* ضمایر در نشش صیغه غایب مضارع

۳۱. چنان‌که در صیغه‌های شش‌گانه غایب فعل مضارع مشاهده می‌کنید،

نشانه فاعل (ضمیر) در صیغه‌های مختلف از این قرار است:

□ در مثنی‌ها (۲ و ۵) ← **الف** : يَضْرِبَانِ، تَضْرِبَانِ

□ در جمع مذکر (۳) ← **و** : يَضْرِبُونَ

□ در جمع مؤنث (۶) ← **ن** : يَضْرِبْنَ

نشانه فاعل (ضمیر) در مفرد مذکر و مؤنث، مستتر است:

□ در مفرد مذکر (۱) ← **هُوَ** : يَضْرِبُ

□ در مفرد مؤنث (۴) ← **هِيَ** : تَضْرِبُ

* نکته

استتار ضمیر در صیغه‌های ۱ و ۴ مضارع، **جایزی** است.

پرسش میانی ۲

آیا صحیح است گفته شود «يَضْرِبُ زَيْدٌ» و فاعل يَضْرِبُ هم لفظ زید و هم ضمیر مستتر هو در يَضْرِبُ باشد؟



* علامت‌های «رفع» مضارع

۳۲. آخر فعل مضارع به خودی خود و بدون حضور عامل لفظی، مرفوع است و رفع دادن آن با اضافه کردن علامت‌های خاصی است که درشش صیغه غایب عبارت‌اند از:

○ ُـ (ضمه) : به صیغه‌های (۱ و ۴)

○ ِـ (ن) : به صیغه‌های (۲ و ۵)

○ َـ (ن) : به صیغه (۳)

* توجه

صیغه ششم، علامت رفع ندارد و نون موجود در آخر آن (ن) ضمیر بارز است و هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند.

پرسش و تمرین

۱. چگونگی ساختن صیغه اول فعل مضارع معلوم را با ذکر یک مثال بیان کنید.
۲. رفع دارای چند علامت است و آن علائم در چه صیغه‌هایی وجود دارد؟
۳. آیا نون صیغه ششم، علامت رفع است؟
۴. شش صیغه غایب مضارع فعل‌های ذیل را صرف و ترجمه کنید:

جَلَسَ ، عَلِمَ ، بَعُدَ

۵. جمله‌های ذیل را به عربی ترجمه کنید.

(آن یک مرد) می‌رود (آن مردان) می‌روند (آن زنان) می‌روند
(آن یک زن) می‌رود (آن دوزن) می‌روند (آن دو مرد) می‌روند



۶. حرکت عین الفعل چند حالت دارد و سماعی بودن آن، به چه معناست؟

۷. صیغه، شماره صیغه، ضمیر (فاعل) و علامت رفع فعل‌های قرآنی ذیل را بنویسید.

يُحْكُمَانِ، يَخْكُمُونَ، يَأْكُلُ، تَأْكُلُ، يَأْكُلَانِ، يَأْكُلْنَ

۸. صیغه، ضمیر، وزن و ماضی فعل‌های مشخص شده در آیات و روایات ذیل را بنویسید.

الف. القرآن الكريم: وَلَا يَخْرُجَنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيَّنَةٍ.^۱

ب. القرآن الكريم: الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ.^۲

ج. الإمام عليّ عليه السلام: عَجِبْتُ لِمَنْ يَقْنَطُ وَمَعَهُ النَّجَاةُ وَهُوَ الْأَسْتِغْفَارُ.^۳

د. الإمام الباقر عليه السلام: الْخُصُومَةُ تَمَحِّقُ الدِّينَ.^۴

مطالعه و پژوهش

۱. مضارع در لغت به چه معنایی می‌باشد و بررسی نمایید که مضارع از حیث زمان، دلالت بر حال می‌کند یا آینده یا هردو؟ و چرا این فعل به این اسم نامگذاری شد؟

■ منبع مطالعه و پژوهش:

صرف جامع کاربردی، ص ۴۵

هدایه (جامع المقدمات ۲ جلدی

ج ۲ ص ۱۲۶ با حواشی مدرس افغانی

(علوم العربیة) سید هاشم حسینی

تهرانی) ص ۱۹



۱. طلاق، ۱: نه آنها در دوران عدّه بیرون روند، مگر آنکه کار زشت آشکاری انجام دهند.

۲. نساء، ۳۷: [متکبران و فخر فروشان همان] کسانی [اند] که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل

وا می‌دارند و آنچه را خداوند از فضل خویش به آنها ارزانی داشته، پوشیده می‌دارند.

۳. غرر الحکم، ج ۲، ص ۴۹۴. عجب دارم از کسی که [از رحمت خداوند] ناامید است و حال آنکه وسیله نجات با اوست و آن استغفار کردن است.

۴. میزان الحکمة، ج ۳، ص ۴۴. خصومت و دشمنی، دین را محو و نابود می‌کند.



فعل مضارع معلوم (۲)

۳۳. روش ساختن صیغه های هفتم تا چهاردهم مضارع از صیغه یکم چگونه است؟
 ۳۴. حروف مضارع یا «اتین» چه حروفی است و چگونه در صیغه های مضارع توزیع شده است؟
 ۳۵. ضمائر صیغه های هفتم تا چهاردهم چیست؟
 ۳۶. در چه صیغه هایی از مضارع استتار ضمیر وجوبی است؟ توضیح دهید.
 ۳۷. روش توزیع علائم رفع در صیغه های هفتم تا چهاردهم چگونه است؟
 ۳۸. آیا نون در صیغه ششم و دوازده مضارع علامت رفع است؟

۳۳. در درس گذشته، با شش صیغه غایب فعل مضارع آشنا شدیم. در این درس، با چگونگی ساختن صیغه های مخاطب و متکلم از صیغه اول آشنا می شویم:

صیغه هفتم : با تبدیل کردن حرف مضارع **یاء** به **تاء**:

يَضْرِبُ ← تَضْرِبُ

صیغه هشتم : با تبدیل کردن **یاء** به **تاء** و اضافه کردن **الف** و **نون مکسور** (ان) به آخر و مفتوح کردن لام الفعل:

يَضْرِبُ ← تَضْرِبَانِ

صیغه نهم : با تبدیل کردن **یاء** به **تاء** و اضافه کردن **واو** و **نون مفتوح** (ون) به آخر و مضموم کردن لام الفعل:

يَضْرِبُ ← تَضْرِبُونِ

صیغه دهم : با تبدیل کردن **یاء** به **تاء** و اضافه کردن **یاء** و **نون مفتوح**



(ین) به آخر و مکسور کردن لام الفعل:

يَضْرِبُ ← تَضْرِبِينَ

صیغه یازدهم : با تبدیل کردن **یاء** به **تاء** و اضافه کردن **الف** و **نون** مکسور

(ان) به آخر و مفتوح کردن لام الفعل:

يَضْرِبُ ← تَضْرِبَانِ

صیغه دوازدهم : با تبدیل کردن **یاء** به **تاء** و اضافه کردن **نون** مفتوح (ن) به

آخر و ساکن کردن لام الفعل:

يَضْرِبُ ← تَضْرِبِنَ

صیغه سیزدهم : با تبدیل حرف مضارع **یاء** به **همزه** مفتوح (أ):

يَضْرِبُ ← أَضْرِبُ

صیغه چهاردهم: با تبدیل حرف مضارع **یاء** به **نون** مفتوح (ن):

يَضْرِبُ ← نَضْرِبُ

● صرف نشش صیغه مخاطب و دو صیغه متکلم مضارع ضَرْبِ =

- | | | |
|---|---------|---------|
| ۷. مفرد : تَضْرِبُ : (تویک مرد) می زنی. | } مذکر | } مخاطب |
| ۸. مثنی : تَضْرِبَانِ : (شما دو مرد) می زنید. | | |
| ۹. جمع : تَضْرِبُونَ : (شما مردان) می زنید. | | |
| ۱۰. مفرد : تَضْرِبِينَ : (تویک زن) می زنی. | } مؤنث | |
| ۱۱. مثنی : تَضْرِبَانِ : (شما دو زن) می زنید. | | |
| ۱۲. جمع : تَضْرِبْنَ : (شما زنان) می زنید. | | |
| ۱۳. وحده: أَضْرِبُ : (من) می زنم. | } متکلم | |
| ۱۴. مع الغیر: نَضْرِبُ : (ما) می زنیم. | | |



۱۴ صیغه فعلهای ماضی را با ۱۴ صیغه فعلهای مضارع از نظر ضمائر مشترک و ضمائر اختصاصی و نیز بارزو مستتر بودن مقایسه کنید.

جدول ساختن صیغه‌های فعل مضارع

| شماره صیغه | نحوه ساخت | مثال و ترجمه |
|------------|-------------------------------|----------------------------------|
| ۱ | ضَرَبَ ← يَضْرِبُ | يَضْرِبُ (آن یک مرد) می زند |
| ۲ | يَضْرِبُ ← + - + انِ | يَضْرِبَانِ (آن دو مرد) می زنند |
| ۳ | يَضْرِبُ ← + وْنَ | يَضْرِبُونَ (آن مردان) می زنند |
| ۴ | تَضْرَبُ ← + تغییر حرف مضارعه | تَضْرَبُ (آن یک زن) می زند |
| ۵ | تَضْرَبُ ← + - + انِ | تَضْرَبَانِ (آن دو زن) می زنند |
| ۶ | يَضْرِبُ ← + نَ | يَضْرِبْنَ (آن زنان) می زنند |
| ۷ | تَضْرَبُ ← + تَ | تَضْرَبُ (تو یک مرد) می زنی |
| ۸ | تَضْرَبُ ← + - + انِ | تَضْرَبَانِ (شما دو مرد) می زنید |
| ۹ | تَضْرَبُ ← + تُمَّ | تَضْرَبُونَ (شما مردان) می زنید |
| ۱۰ | تَضْرَبُ ← + تِ | تَضْرَبِينَ (تو یک زن) می زنی |
| ۱۱ | تَضْرَبُ ← + - + انِ | تَضْرَبَانِ (شما دو زن) می زنید |
| ۱۲ | تَضْرَبُ ← + تُنَّ | تَضْرَبْنَ (شما زنان) می زنید |
| ۱۳ | أَضْرَبُ ← تغییر حرف مضارعه | أَضْرَبُ (من) می زنم |
| ۱۴ | نَضْرَبُ ← تغییر حرف مضارعه | نَضْرَبُ (ما) می زنیم |



* حروف «أتین»

۳۴. حروف مضارع که به آن‌ها حروف **أتین** نیز گفته می‌شود، در صیغه‌های مختلف به ترتیب ذیل قرار می‌گیرند:

یَ : در صیغه‌های «۱، ۲، ۳، ۶»

تَ : در صیغه‌های «۴، ۵، ۷ تا ۱۲»

أَ : در صیغه «۱۳»

ذَ : در صیغه «۱۴»

* نکته

با اندکی دقت در صیغه‌های چهارده‌گانه روشن می‌شود که بعضی صیغه‌ها با همدیگر مشترک هستند:

تَنْصُرُ : بین صیغه‌های «۴ و ۷»

تَنْصُرَانِ : بین صیغه‌های «۵، ۸ و ۱۱»

* ضمائر مخاطب و متکلم مضارع

۳۵. نشانه فاعل (ضمیر) در این صیغه‌ها عبارت‌اند از:

□ در مثنی‌ها (۸ و ۱۱) ← الف : تَضْرِبَانِ، تَضْرِبَانِ

□ در جمع مذکر (۹) ← و : تَضْرِبُونَ

□ در مفرد مؤنث (۱۰) ← ی : تَضْرِبِينَ

□ در جمع مؤنث (۱۲) ← ن : تَضْرِبْنَ



ضمیر در صیغه‌های ۷، ۱۳ و ۱۴، مستتر (پنهان) است که به ترتیب عبارت اند از:

أَنْتَ، أَنَا، نَحْنُ

۳۶. استتار ضمیر در صیغه‌های ۷، ۱۳ و ۱۴ فعل مضارع، **وجوبی** است؛ یعنی

فاعل این صیغه‌ها، **دائماً** ضمیری است که در آن‌ها مستتر است و نمی‌تواند به صورت **اسم ظاهر** بعد از آن‌ها ذکر شود.

پرسش میانی

به نظر شما چرا فاعل در صیغه‌های ۷، ۱۳ و ۱۴ نمی‌تواند اسم ظاهر باشد؟

* علائم رفع در شش صیغه مخاطب و دو صیغه متکلم

۳۷. ُ (ضمّه) : در صیغه‌های ۷، ۱۳ و ۱۴

ِ (ن) : در صیغه‌های ۸ و ۱۱

َ (ن) : در صیغه‌های ۹ و ۱۰

* توجه

۳۸. صیغه دوازدهم، علامت **رفع** ندارد و نون آن، ضمیر بارز است و هیچ‌گاه

تغییر نمی‌کند.

صرف
متوسطه
باب فعل

جدول صرف فعل ماضی و مضارع با تعیین ضمائر
(بارز و مستتر)

| شماره فعل | ماضی | ضمیر | مضارع | ضمیر |
|-----------|-------------|--------------|-------------|----------------|
| ۱ | ضَرَبَ | هُوَ (مستتر) | يَضْرِبُ | هُوَ (مستتر) |
| ۲ | ضَرَبَا | ا | يَضْرِبَانِ | ا |
| ۳ | ضَرَبُوا | و | يَضْرِبُونَ | و |
| ۴ | ضَرَبَتْ | هِيَ (مستتر) | تَضْرِبُ | هِيَ (مستتر) |
| ۵ | ضَرَبَتَا | ا | تَضْرِبَانِ | ا |
| ۶ | ضَرَبْنَ | نَ | يَضْرِبْنَ | نَ |
| ۷ | ضَرَبْتَ | تَ | تَضْرِبُ | أَنْتَ (مستتر) |
| ۸ | ضَرَبْتُمَا | تُمَا | تَضْرِبَانِ | ا |
| ۹ | ضَرَبْتُمْ | تُمْ | تَضْرِبُونَ | و |
| ۱۰ | ضَرَبْتِ | تِ | تَضْرِبِينَ | ي |
| ۱۱ | ضَرَبْتُمَا | تُمَا | تَضْرِبَانِ | ا |
| ۱۲ | ضَرَبْتِنَّ | تِنَّ | تَضْرِبْنَ | ن |
| ۱۳ | ضَرَبْتُ | تُ | أَضْرِبُ | أَنَا (مستتر) |
| ۱۴ | ضَرَبْنَا | نَا | نَضْرِبُ | نَحْنُ (مستتر) |



۱. صیغه‌های ذیل را از فعل **يَذْهَبُ** بسازید.

مفرد مذکر مخاطب، مفرد مؤنث مخاطب، مثنای مؤنث مخاطب

جمع مؤنث مخاطب، جمع مذکر مخاطب، متکلم مع الغیر

۲. شش صیغه مخاطب و دو صیغه متکلم مضارع فعل‌های ذیل را صرف و ترجمه کنید.

جَلَسَ - ، عَلِمَ - ، بَعَدَ -

۳. حروف مضارع چه حروفی هستند و چگونه در صیغه‌ها توزیع می‌شوند؟

۴. علامت رفع صیغه‌های ذیل را بنویسید.

۷، ۱۴، ۸، ۹ و ۱۰

۵. برای فعل **تَكْتَبُ** سه ترجمه و برای فعل **تَكْتَبُ** دو ترجمه بنویسید.

۶. استتار ضمیر در چه صیغه‌هایی از فعل مضارع، جایزی و در کدام یک، وجوبی است؟

۷. چهارده صیغه مضارع فعل **فَهِمَ** - را صرف کنید.

۸. صیغه، ضمیر، وزن و ماضی فعل‌های مشخص شده در آیات و روایت ذیل را بنویسید.

الف. القرآن الکریم: **إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُوبُونَ مَا تَمْكُرُونَ** ۱.

ب. القرآن الکریم: **أَتَلْعَمُونَ ۲. وَأَنْصَحَ لَكُمْ وَأَعْلَمَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ**.

ج. الإمام علیؑ: **نَحْمَدُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ عَلَى مَا وَفَّقَ لَهُ مِنَ الطَّاعَةِ وَذَادَعْتَهُ مِنْ**

الْمَعْصِيَةِ ۳.



صرف
متوسطه
باب فعل

۱. یونس، ۲۱: همانا فرستادگان ما (فرشتگان) آنچه نیرنگ می‌کنید، می‌نویسند.

۲. اعراف، ۶۲: پیام‌های پروردگرم را به شما می‌رسانم و شما را اندرز می‌دهم و از خدا چیزهایی می‌دانم که [شما] نمی‌دانید.

۳. غرر الحکم، ج ۲، ص ۷۷۶: ستایش می‌کنیم خداوند پاک و منزّه را بر اینکه توفیق داد تا او را اطاعت کنیم و از معصیتش دور بمانیم.

۱. منظور از (حال) در زمانی که می‌گوییم فعل مضارع بر زمان حال یا آینده دلالت می‌کند چه زمانی است؟

- منبع مطالعه و پژوهش:
صرف جامع کاربردی، ص ۴۵
دانش صرف، ص ۶۶
حاشیه صبان، ج ۱، ص ۵۹





فعل امر معلوم

۳۹. معنای لغوی و اصطلاحی امر چیست و بر چند نوع است؟

۴۰. روش ساختن امر به لام چگونه است؟

۴۱. روش ساختن امر به صیغه چگونه است؟

۴۲. آیا همزه امر حاضر وصل است یا قطع؟

۳۹. امر در لغت به معنی دستور و فرمان است و در اصطلاح، بر طلب انجام

کار یا پدید آمدن حالتی دلالت می‌کند؛ مانند:

إِضْرِبْ (بزن!)، أَحْسَنْ (نیکو شو!)

فعل امر مانند فعل مضارع، دارای چهارده صیغه و بر دو نوع است:

۱. امر به لام : شش صیغه غایب و دو صیغه متکلم؛

۲. امر به صیغه : شش صیغه مخاطب.

* همه صیغه‌های امر از فعل مضارع ساخته می‌شوند.

طرز ساختن امر به لام

۴۰. امر به لام، از شش صیغه غایب و دو صیغه متکلم مضارع به شرح ذیل

ساخته می‌شود:

۱. لام مکسور (ل) را بر سر فعل مضارع درمی‌آوریم: لِيَضْرِبْ



۲. آخر آن را جزم می‌دهیم: لِيَضْرِبُ

جزم در لغت به معنی بریدن و قطع کردن و در اصطلاح، حذف علامت رفع (ـُ، ـِ، ـَ)

است؛ مانند:

يَضْرِبُ ← لِيَضْرِبُ ← لِيَضْرِبُ (باید بزند)
 يَضْرِبَانِ ← لِيَضْرِبَانِ ← لِيَضْرِبَانِ (باید بزنند)

● نمونه صرف فعل امر به لام از ضَرْبَ =:

| | | | | |
|---|---|-------|---|------|
| <p>۱. مفرد : لِيَضْرِبُ : (آن یک مرد) باید بزند. ۲. مثنی : لِيَضْرِبَانِ : (آن دو مرد) باید بزنند. ۳. جمع : لِيَضْرِبُوا : (آن مردان) باید بزنند.</p> | } | مذکر | } | غایب |
| <p>۴. مفرد : لِيَضْرِبُ : (آن یک زن) باید بزند. ۵. مثنی : لِيَضْرِبَانِ : (آن دو زن) باید بزنند. ۶. جمع : لِيَضْرِبْنَ : (آن زنان) باید بزنند.</p> | } | مؤنث | | |
| <p>۱۳. وحده: لِأَضْرِبُ : (من) باید بزنم. ۱۴. مع الغیر: لِنَضْرِبُ : (ما) باید بزنیم.</p> | } | متکلم | | |



* نکته

۱. نون صیغه ششم حذف نشده است؛ زیرا علامتِ رفع نیست.
۲. هرگاه قبل از امر به لام، واو، فاء یا ثَمَّ بیاید، لام آن را می‌توان ساکن کرد؛ مانند:

لِيَكْتُبَ ← وَلِيَكْتُبْ : وَلِيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ.
لِيَضْحَكُوا ← فَلْيَضْحَكُوا : فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا و...
لِيَقْطَعْ ← ثُمَّ لِيَقْطَعْ : ... ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدَهُ مَا يَغِيظُ.

* طرز ساختن امر به صیغه

۴۱. امر به صیغه، از شش صیغه مخاطب فعل مضارع به ترتیب ذیل ساخته می‌شود:

□ حرف مضارع (ت) را از اول آن برمی‌داریم : تَضْرِبُ ← ضْرِبُ
□ علامت رفع را از آخر آن حذف می‌کنیم : ضْرِبُ ← ضْرِبْ

* نکته مهم

هرگاه حرف مضارع را حذف کنیم و پس از آن حرف ساکن وجود داشته باشد، برای پرهیز از ابتدا به ساکن، همزه‌ای بر سر آن می‌آوریم؛ چون در عربی، خواندنِ ابتدا به ساکن مشکل است؛ پس می‌شود:

ضْرِبُ ← اَضْرِبْ

حرکت همزه، به حرکت عین الفعل مضارع بستگی دارد:

الف) اگر عین الفعل مضارع، مفتوح یا مکسور باشد، همزه را کسره (ـِ) می‌دهیم؛

مانند:



تَضْرِبُ ← ضَرِبُ ← ضَرِبُ ← اِضْرِبُ

تَعْلَمُ ← عَلِمَ ← عَلِمَ ← اِعْلَمُ

ب) اگر عین الفعل مضارع، مضموم بود، همزه را ضمه (ـُ) می دهیم؛ مانند:

تَخْرُجُ ← خَرَجُ ← خَرَجُ ← اُخْرَجُ

پرسش میانی ۱

آیا می توان گفت که امر صیغه هفتم مأخوذ از صیغه اول است؟

* توجه

۴۲. همزه امر، همزه وصل است؛ یعنی وقتی میان کلام واقع شود، در تلفظ حذف گردیده، ما قبل آن به ما بعد وصل می شود و علامت آن **صاد کوچک** (ص) بالای الف است: **أ**

مانند: **وَأَضْرِبُ**



● نمونه صرف امر حاضر از فعل مضارع ضَرَبَ :-

| | | |
|--|--------|---------|
| ۱. مفرد : اِضْرِبْ : (تویک مرد) بزن. | } مذکر | } مخاطب |
| ۲. مثنیٰ : اِضْرِبَا : (شما دو مرد) بزنید. | | |
| ۳. جمع : اِضْرِبُوا : (شما مردان) بزنید. | | |
| ۴. مفرد : اِضْرِبِي : (تویک زن) بزن. | } مؤنث | |
| ۵. مثنیٰ : اِضْرِبَا : (شما دو زن) بزنید. | | |
| ۶. جمع : اِضْرِبْنَ : (شما زنان) بزنید. | | |

* نکته

ضمایر فعل امر، همانند ضمایر فعل مضارع است.

نمونه صرف امر معلوم از نَصَرَ :-

لِيَنْصُرَ لِيَنْصُرَا لِيَنْصُرُوا لِيَنْصُرَ لِيَنْصُرَا لِيَنْصُرُونَ
 أَنْصُرَ أَنْصُرَا أَنْصُرُوا أَنْصُرَ أَنْصُرَا أَنْصُرُونَ
 لِأَنْصُرَ لِأَنْصُرَا لِأَنْصُرُوا



۱. شش صیغه غایب فعل امر چگونه ساخته می‌شود؟ مثال بنویسید.
۲. «لام» امر چه هنگام مکسور و چه هنگام ساکن می‌شود؟
۳. چهارده صیغه امر فعل یَحْتِمُ را صرف کنید.
۴. از فعل‌های ذیل، امر به لام یا امر به صیغه (حسب مورد) ساخته، آن‌ها را ترجمه کنید.

يُنْصِرُ، يَنْصُرُونَ، تَنْصُرُونَ، تَنْصُرِينَ، أَنْصُرُ
يَنْصُرْنَ، تَنْصُرْنَ، تَنْصُرَانِ، تَنْصُرُ، نَنْصُرُ

۵. صیغه و ضمائر فعل‌های مشخص شده در آیات و روایات ذیل را بنویسید.
- الف. القرآن الکریم: قُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ.
- ب. القرآن الکریم: وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ.
- ج. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِكُلِّ دَاخِلٍ دَهْشَةٌ فَأَبْدُوا بِالسَّلَامِ.
- د. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِيَصُدَّقَ تَحْرِيكَ فِي الشُّبُهَاتِ فَإِنَّ مَنْ وَقَعَ فِيهَا ازْتَبَكَ.

مطالعه و پژوهش

۱. بررسی کنید که اطلاق فعل امر بر شش صیغه غائب و دو صیغه متکلم صحیح است یا نه؟ توضیح: برخی معتقدند که امر فقط ۶ صیغه مخاطب است.
۲. وجه تسمیه امر به صیغه به این نام چیست؟

■ منبع مطالعه و پژوهش:
دانش صرف، ص ۸۱
صرف ساده، ص ۸۳

